

**روش تدریس در حوزه‌ی
علمیه نجف**

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaiislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم
فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۳
محل تدریس.....	۳
قانون امتحانات.....	۴
فراخوانی‌هایی در راستای تغییر.....	۴
نگاهی به برنامه‌های درسی در حوزه‌ی نجف.....	۵
مراحل تدریس در مدرسه‌های حوزه.....	۹
مرحله‌ی نخست: تدریس مقدماتی.....	۹
در صرف و نحو.....	۹
در بلاغه، معانی و بیان.....	۱۰
در منطق.....	۱۰
در فقه:.....	۱۰
در اصول فقه:.....	۱۱
مرحله‌ی دوم: تحصیلات متوسطه.....	۱۱
در فقه.....	۱۱
در اصول.....	۱۲
در فلسفه.....	۱۲
مرحله‌ی سوم: مرحله‌ی تحقیقات خارج.....	۱۲
مسئولیت طلبه در این مرحله.....	۱۳
چهارم: مرحله‌ی اجتهاد.....	۱۳

۱۴.....	پایه‌های مراحل
۱۴.....	۱- پایه‌های مرحله‌ی مقدماتی
۱۴.....	پایه‌ی نخست
۱۴.....	پایه‌ی دوم
۱۵.....	پایه‌ی سوم
۱۵.....	پایه‌ی چهارم
۱۵.....	پایه‌های مرحله‌ی متوسطه
۱۵.....	پایه‌ی نخست
۱۶.....	پایه‌ی دوم

پیشگفتار

بسیاری از کسانی که خود را به موضوع شیعه مشغول کرده‌اند، راجع به کتاب‌های درسی آنها در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف (که به عنوان پایتخت روحی و علمی شیعه شناخته شده است)، سؤال می‌کنند، و بعد از اینکه به سؤال آنها پاسخ می‌دهم، از پاسخ من شگفت‌زده می‌شوند و آن را عجیب می‌پندارند، زیرا آنان فکر می‌کنند که حوزه‌ی علمیه، دانشگاهی دینی، با وسعتی گسترده و دارای ابعادی متعدد می‌باشد و ساختمانی بزرگ در مکانی ویژه از شهر نجف را اشغال نموده است و دهها کتاب منهجی، برنامه‌ی درسی آنها را پر نموده که حاوی رشته‌هایی پرمحتوا و عمیق و قوی می‌باشد و قرآن و سنت نبوی در رأس آنها قرار گرفته است.

می‌خواهم با کمال اختصار به عرض شما برسانم که: این تنها تصورات و گمانه‌هایی توخالی است و هیچ‌گونه واقعیتهایی ندارد! منبع و مصدر آن نیز همان تبلیغات و بیانه‌هایی است که در طول تاریخ، شیعه آن را دنبال کرده است.

محل تدریس

لازم است بدانید که حوزه مکانی مشخص و معین ندارد، یعنی اینکه ساختمانی ویژه و یا ساختمانهایی مخصوص جهت تدریس را برای آن نخواهی یافت، که به غرفه‌هایی برای تدریس تقسیم شده باشد و همانند سایر مدرسه و دانشگاه‌ها اتاقی برای مدیر مدرسه و اتاقهایی برای اساتید و مدرسین به طور جداگانه داشته باشد، بلکه آنها در حجره‌هایی پراکنده و در اتاقهایی گوناگون یا طبقه‌های زیرین ساختمان که مربوط به آن مرجع و یا این مرجع می‌باشد، درس‌هایشان را دنبال می‌کنند، و برخی اوقات از حسینیه و مساجد برای ادامه‌ی درس‌هایشان استفاده می‌کنند، همانگونه که در وسط مسجد «جامع طوسی» واقع در خیابان طوسی درس‌هایشان را در کنار قبر طوسی تدریس می‌نمایند، غیر

از مرجع معروف به بشیر پاکستانی که ساختمانی را برای سکونت و تدریس اجاره نموده است.

قانون امتحانات

آنان قانونی برای امتحان و گرفتن مدرک علمی ندارند، و برای طی مرحله‌ای علمی هیچ گونه وقت و زمانی را در نظر نمی‌گیرند، بلکه این دانش آموز و طلبه است که بنا به اختیارات خود کتابهای درسی و استاد مورد نظر جهت تدریس و زمان حضور در جلسات درسی را انتخاب می‌کند، از این رو برخی از آنان ده سال و برخی نیز بیست سال درسهایش را دنبال می‌کند، و برخی از آنها نیز خواهان مدت زمانی طولانی‌تر می‌باشد و هدف او این است که از این طریق روزی خود را کسب نماید.

لازم به یادآوری است که آنها قبل از گذشت هزار سال بر تأسیس مدرسه توسط شیخ محمد بن حسن طوسی (متوفای سال ۴۶۰ هـ) همین روش را دنبال کرده‌اند.

فراخوانی‌هایی در راستای تغییر

در خلال چهار قرن گذشته، حوزه با فراخوانی‌هایی در راستای تغییر روش تدریس و مکان و محل تدریس روبرو گشته است، اما چنانکه اطلاع یافته‌ام آنها روی ضروری بودن همان روش تدریس خود پافشاری نموده و برای تغییر آن هیچ‌گونه اقدامی را قبول نکرده‌اند، اما در میان این دو دیدگاه مخالف، دیدگاهی دیگر قدم علم نموده و خواهان جمع میان آن دو دیدگاه بوده است. از این رو ما با کسانی همچون سیستمی روبرو می‌شویم که روی همان روش قدیمی پافشاری می‌نمایند، و برخی از آنها - بخصوص بعد از اشغال عراق - خواهان بنای مدرسه‌هایی ویژه می‌باشند که با تغییرات به وجود آمده در جامعه هماهنگ باشد، از این رو یعقوبی دانشگاه «الصدر الدینیة» را تأسیس نمود و قسمتی از آن را مخصوص زنان قرار داد، و مقتدی صدر نیز مدرسه‌ای مخصوص را تأسیس نمود و طائی نیز در همین راستا اقداماتی را انجام داده است.

نگاهی به برنامه‌های درسی در حوزه‌ی نجف

قبل از توضیح برنامه‌های درسی می‌خواهم ملاحظات زیر را به عرض شما برسانم:

۱- منهج و برنامه‌های درسی آنها به طور کلی از قرآن و تمامی متعلقات آن خالی می‌باشد، یعنی اینکه برنامه‌های درسی آنها از تدریس روش تلاوت، تجوید، حفظ، تفسیر و آگاهی از علوم قرآنی همانند: اصول تفسیر، اسباب نزول، ناسخ و منسوخ، مکی و مدنی و ... خالی می‌باشد، چه رسد به اینکه برای مسایل فقهی و ... به قرآن استدلال نمایند^۱،

۱- شیخ محمد یعقوبی تلاش نمود خود را از آن تقلید بیرون آورد و بعد از اشغال عراق تدریس پاره‌ای از علوم قرآنی را در حوزه به وجود آورد، ایشان دارای کتابی به نام «شکوی القرآن» می‌باشد که به خاطر حذف علوم قرآن در منهج درسی، حوزه را سرزنش و توبیخ می‌نماید، و از جمله کلماتی که ایشان بیان می‌دارد اینکه: (علت این شکواییه این است که می‌بینم جامعه‌ی مسلمان به طور عام حتی افراد ملتزم نیز از تلاوت قرآن و اهتمام بدان و تدبیر در آیات آن رویی برتافته، چه رسد به اینکه در زندگانی روزمره‌اش نقش امامت و رهبری را بدان بدهد، تا اینکه قرآن - که هدایت یافتگان هدایت را بدان دنبال می‌کنند- به عنوان چراغی روشن و دلیلی واضح در تمامی جلوه‌های زندگی او نقش آفرینی کند، اما متأسفانه قرآن به عنوان کتابی فراموش شده کنار گذاشته شده است و جز پاره‌هایی اندک بدان رویی نمی‌آورند.

و در حاشیه‌ی شماره (۹) می‌گوید: تعدادی از گزارش‌هایی را که راجع به علاقه‌مندی نسبت به قرآن از طلبه‌های آماده برای قبول در حوزه‌ی شریفه، تهیه شده بود، خواندم، لازم است بدانید که اینان کسانی هستند که درجه‌ای از فهم دینی و ایمان را دارا می‌باشند که آنها را برای انتخاب این رشته تشویق نموده است، اما متأسفانه دیدم که برخی از آنها هرگز نتوانسته حتی یک مرتبه نیز قرآن را ختم نمایند، و دیگری که به عنوان امام جماعت انتخاب شده اعلام می‌دارد که در طول حیاتش دو مرتبه آن را تلاوت نموده است، و بسیاری از آنها سوره‌هایی پراکنده را در مناسبات و مراسم‌های دینی تلاوت نموده است، این گزارش تنها مربوط به جنبه‌ی تلاوت تهیه شده بود، اما راجع به فهم و درک معانی قرآن و تدبیر در مفاهیم و معانی آن، باید گفت که جهل و نادانی در اینجا فراگیر و کلی می‌باشد.

سپس یعقوبی بعد از صفحاتی چند تحت عنوان «مسئولیت حوزه در راستای بازگشت به قرآن» می‌گوید: بنده معتقد هستم که نخستین گروه مسئول در این راستا حوزه‌ی شریف با همه‌ی طلبه، خطبا، فضلا و علماهایش می‌باشد، زیرا صلاح جامعه به صلاح حوزه و فساد آن نیز به فساد حوزه متعلق می‌باشد... و لازم به ذکر است

بلکه تدریس تفسیر در حوزه به عنوان جهل و نادانی قلمداد می‌شود و طرفداران آن را از نردبان علم برکنار می‌کنند! همانگونه که محمد حسین طباطبائی نویسنده‌ی تفسیر «المیزان» با آن روبرو گشت، و این همان سببی بود که ابولقاسم خوئی (بنا به اعتراف ایشان) را برای اعراض از آن علم، واداشت.^۱

۲- آنچه که راجع به دیدگاه آنها نسبت به قرآن کریم بیان داشتیم، راجع به سنت نبوی نیز به همان روش برخورد می‌نمایند، یعنی آنها اصل دوم از دلایل احکام شرعی برای شناخت دین را در برنامه‌ی درسی خود قرار نداده‌اند.

۳- با توجه به دو ملاحظه‌ی فوق می‌فهمیم که اصل دین و اساس و پایه‌ی هدایت (قرآن و سنت) در منهج و برنامه‌ی درسی حوزه نمی‌باشد، بنابراین مدرسه‌ی آنها بر رأی و عقل بنیان شده است و وحی در ساختار دین آنها هیچ‌گونه نقشی ندارد.

که بنده در کتاب «وصایا و نصایحی چند به خطبا و طلبه‌های حوزه‌ی شریف» بیان داشتم که: جای بسی تأسف است که قرآن در منهج تحصیلات حوزه‌وی قرار داده نشده است، متأسفانه کتاب‌های حوزه به شکلی تنظیم شده که از ابتدا تا به انتها طلبه به تدبر در قرآن نیاز پیدا نمی‌کند، و جز برای استدلال روی قاعده‌ای نحوی و یا مبحثی اصولی و یا مسأله‌ای فقهی کاربرد ندارد. از این‌رو قرآن به عنوان میدانی برای بررسی‌های دقیق عقلی مورد استفاده قرار می‌گیرد و به عنوان غذای قلب و روح و دوا‌ی نفس هیچ‌گونه محلی بدان داده نمی‌شود. و چه بسا که فرد حوزوی به مرتبه‌ای عالی از فقه و اصول دست می‌یابد، اما متأسفانه هرگز نتوانسته زندگی قرآنی را سپری کند و تجربه‌ی تعامل با قرآن و درک و فهم آن به عنوان رساله‌ی اصلاح را نیپیموده است. و چه بسا روزها و هفته‌ها می‌گذرد و طلبه‌ای را نخواهی یافت که قرآن را جهت تلاوت و تدبر در آیات آن را در دست گرفته باشد، زیرا هیچ‌گونه ارتباطی روحی میان او و قرآن برقرار نشده است. و اگر زاد و توشه‌ی خود را در قرآن می‌یافت هرگز نمی‌توانست آن را ترک کند و این مصیبت و مشکلی بسیار بزرگ برای حوزه و جامعه محسوب می‌گردد، لازم به ذکر است که برخی از آنان نمی‌توانند قرآن را به نحو احسن و با رعایت قواعد قرائت نمایند. لذا نخستین وظیفه‌ی مهم و اساسی حوزه -که در راستای اصلاح جامعه و نزدیک کردن آنها به سوی خداوند تبارک و تعالی قدم برداشته- این است که برای فهم قرآن و تلاش جهت تطبیق قانون آن قدم فرسایی نماید.

۱- «إحياء الفكر الديني» ص ۵۲. نوشته‌ی: مرتضی مطهری.

۴- بیشتر منابع قابل اعتمادی که آنها برای تدریس لغت عربی مورد استفاده قرار می‌دهند، منابعی از اهل تسنن می‌باشند و ربطی به اهل تشیع ندارند، و این بیانگر ضعف و ناتوانی علمای شیعه در راستای آگاهی از اساس و بنیانی می‌باشد که جهت فهم نصوص قرآن و سنت کاربردی ویژه دارند، و تنها علت آن را می‌توان در تسلط عجمیت بر آنها قلمداد نمود.

۵- منهج درسی آنها در موارد زیر منحصر می‌گردد: لغت، عقیده، اصول فقه، منطق و فلسفه.

۶- روی درس منطق به صورتی ویژه تأکید می‌نمایند، تا از این طریق روش مجادله را به طلبه بیاموزند و آن فقر شدیدی که در برابر نصوص قرآنی دارد، برای وی جبران نمایند.

۷- برای اینکه طلبه و جامعه از طریق تاریخ، شناخت اسلام را پیگیری ننماید، آنان درس تاریخ را به طور کلی از منهج درسی حذف کرده‌اند. زیرا تدریس این ماده‌ی درسی حتماً با زندگی‌نامه‌ی اصحاب، تابعین و بزرگان اسلام روبرو می‌شود که چگونه این دین را به نسل بعدی انتقال دادند و در راه انتشار آن تلاش و کوشش نمودند، و همچنین باید به ذکر نبردهایی همچون بدر، احد، حنین، فتح مکه، نبرد با مرتدین، قادسیه، مدائن، نهاوند، یرموک و حطین پردازند که چگونه اصحاب در این نبردها نقش آفرینی کردند. و همچنین باید مروری بر نقش عرب در تأسیس تمدن بشری و انتقال آن به جهانیان داشته باشند، و درس تاریخ آنها را با فرقه‌ها و علل پیدایش آن فرقه‌ها روبرو می‌سازد که از جمله‌ی آنها فرقه‌ی امامیه و اختلافاتشان می‌باشد و باید به علل تغییر عقائد امامیه و پیدایش فرقه‌ی اثنا عشریه پردازند که آنها را با یک سری سؤالات روبرو می‌سازد و آنها نیز به هیچ وجه نمی‌خواهند با آن روبرو شوند.

۸- لازم به ذکر است که بنا به منقولاتی ثابت، در میان آنان درسی شفاهی ارائه داده می‌شود که پیرامون ناسزاگویی در حق اصحاب و مردان بزرگ اسلام و عرب، تحریف قرآن و کاستن مقام عرب و بزرگ‌نمایی فارس و امثال آن می‌باشد.

مراحل تدریس در مدرسه‌های حوزه

برای دستیابی به درجه‌ی اجتهاد، حوزه سه مرحله را در راستای تدریس می‌پیماید که عبارتند از:

۱- قدمات

۲- متوسطه

۳- خارج

مرحله‌ی نخست: تدریس مقدماتی

طلبه در این مرحله‌ی مقدماتی درسهایش را در مواردی همچون: نحو، صرف، علوم بلاغه، عروض، منطق، اصول فقه و پاره‌ای از متنهای ادبی منحصر می‌گرداند. و از جمله کتابهایی که در این مرحله تدریس می‌شوند عبارتند از:

در صرف و نحو

۱- اجرومیه: نوشته‌ی ابوعبدالله محمد بن داود صنهاجی که مشهور به ابن آجروم می‌باشد، (ت: ۷۲۳هـ).

۲- قطر الندی و بل الصدی: نوشته‌ی ابن هشام أنصاری.

۳- ألفیه ابن مالک به همراه شرح آن. لازم به ذکر است که این کتاب بیش از یک شرح دارد، که از جمله می‌توان به شرح ابن مالک اشاره داشت، ایشان ارجوزه‌ای (شعر در بحر رجز) ادبی را شرح داده‌اند که به شرح ابن ناظم مشهور گشته است و به عنوان بزرگترین شرح شناسایی شده است. و شرح ابن عقیل هزلی نیز یکی دیگر از شرح‌های الفیه ابن مالک می‌باشد.

۴- مغنی اللیب: نوشته‌ی ابن هشام. طلبه جهت آگاهی بیشتر از اصطلاحات نحوی و ژرف‌نگری در علم نحو این کتاب را می‌خواند، لازم به ذکر است که برخی از افراد ویژه در حوزه به خاطر اسبابی چند در مقدمه‌ی مغنی اللیب به تهذیب این کتاب پرداخته‌اند و آن را مغنی الادیب نام داده‌اند. لازم به ذکر است که این کتاب در علم نحو به عنوان کتابی ارزشمند محسوب می‌گردد.

در بلاغه، معانی و بیان

- ۱- المطول: برخی از طلبه‌ها کتاب مطول نوشته‌ی مسعود بن عمر بن عبدالله تفتازانی (ت: ۷۹۱ هـ) را نزد استادش می‌آموزند.
- ۲- جواهر البلاغه: و برخی دیگر کتاب جواهر البلاغه نوشته‌ی احمد بن ابراهیم هاشمی (ت: ۱۳۶۲ هـ) که یکی از شاعران مصر می‌باشد، را نزد استادش می‌آموزند.
- ۳- البلاغة الواضحة: و برخی دیگر نیز این کتاب را نزد استادش می‌آموزد که در این اواخر مختصر شده است.

در منطق

- ۱- الحاشية: نوشته‌ی ملا عبدالله.
- ۲- تحرير القواعد المنطقية في شرح الرسالة الشمسية: نوشته‌ی قطب الدین رازی (ت: ۷۶۶ هـ).
- ۳- کتاب المنطق: در این اواخر طلبه‌ها به جای این دو کتاب، کتاب «المنطق» نوشته‌ی شیخ مظفر (ت: ۱۲۸۳ هـ) را می‌آموزند.

در فقه:

- ۱- المختصر النافع في فقه الإمامية: نوشته‌ی محقق الحلی (ت: ۶۷۶ هـ).
- ۲- شرایع الإسلام في مسائل الحلال والحرام: نوشته‌ی محقق الحلی.

۳- الرسالة العملية: در این مرحله در هنگام تدریس مجموعه‌ای از فتاوی مجتهد اعلی خوانده می‌شود که به (الرسالة العملية) از آن تعبیر می‌شود.

در اصول فقه:

- ۱- معالم الأصول: نوشته‌ی نجل الشهيد الثاني (ت: ۱۰۱۱هـ).
 - ۲- و یا اینکه: دروس في علم الأصول: نوشته‌ی سید محمد باقر الصدر.
 - ۳- و یا اینکه: أصول الفقه نوشته‌ی شیخ محمد رضا مظفر.
- لازم به ذکر است که برخی از طلبه‌ها بیش از یک کتاب را دنبال می‌کنند.

مرحله‌ی دوم: تحصیلات متوسطه

در مرحله‌ی دوم طلبه برای تحصیل کتاب‌های استدلالی در اصول، فقه و فلسفه خود را وقف می‌کند.

روش تدریس در این مرحله به این صورت است که روی کتابی مخصوص این فن و یا آن فن دیگر اتفاق حاصل می‌کنند، سپس استاد مقطعی از کتاب را با شرحی واضح و روشن ارائه می‌دهد که همه‌ی گنگی و مسایل پیچیده‌ی آن را برطرف می‌نماید، سپس نقدهایی که روی آن صورت می‌گیرد، عرضه می‌دارد و بعد از آن به تعلیقات طلبه روی آن مقطع گوش فرا می‌دهد، استاد نیز در صورت لزوم، به تصحیح آراء و نظریات آنها می‌پردازد و اگر آراء و نظریات آنها را بپسندد آن را تأیید می‌نماید و بدان قناعت می‌کند. این مرحله تحصیلاتی به عنوان مرحله‌ی استدلالی نامیده می‌شود. و از جمله کتابهایی که در این مرحله تدریس می‌شود عبارتند از:

در فقه

- ۱- الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية: نوشته‌ی شیخ محمد بن جمال الدین مکی

عاملی مشهور به شهید الأول (ت: ۷۸۶هـ). والشرح: نوشته‌ی زین الدین العاملی مشهور به شهید الثانی (ت عام ۹۶۵هـ).

۲- المكاسب: نوشته‌ی شیخ مرتضی بن محمد امین تستری أنصاری (ت: ۱۲۸۱هـ). این کتاب سه قسم دارد که عبارتند از: مکاسب حرام، معامله و خیارات.

در اصول

۱- كفاية الأصول: نوشته‌ی شیخ محمد کاظم خراسانی معروف به أخوند (ت: ۱۳۲۹هـ).

۲- الرسائل (فرائد الأصول): نوشته‌ی شیخ أنصاری نویسنده‌ی «المکاسب».

۳- حلقات الأصول: که در این اواخر آن را به «دراسة الحلقات» نوشته‌ی سید محمد باقر الصدر تغییر داده‌اند.

در فلسفه

۱- تجريد الاعتقاد: نوشته‌ی نصیر الدین طوسی (ت: ۶۷۲هـ).

۲- فلسفتنا: نوشته‌ی سید محمد باقر الصدر.

۳- بداية الحکمة ونهاية الحکمة: در این اواخر طلبه‌های به جای این کتاب، از کتاب «بداية الحکمة ونهاية الحکمة» نوشته‌ی سید محمد حسین طباطبائی استفاده می‌کنند.

مرحله‌ی سوم: مرحله‌ی تحقیقات خارج

مرحله سوم به مرحله‌ی تحقیقات خارجی نامگذاری شده است، زیرا تحصیلات در این مرحله در چهارچوبی بیرون از کتاب‌های معتمدی پیگیری می‌شود که استاد آن را برای این مرحله آماده می‌سازد، از این‌رو طلبه بعد از آن دو مرحله‌ی قبلی در حوزه به مرحله پایانی در زندگانی تحصیلی منتقل می‌شود.

مسئولیت طلبه در این مرحله

در این مرحله‌ی تحصیلی، مسئولیت آمادگی و طرح ریزی بر عهده‌ی طلبه می‌باشد، طلبه نیز بدون پایبندی به منبعی علمی و با اعتماد به اطلاعات خود، قبل از حضور در محاضره رشته‌ی مورد نظر از فقه، اصول و ... را آماده می‌کند، سپس به اقوال علما در آن رشته مراجعه می‌کند و دلیل قابل قبول برای مسأله‌ی مورد نظر را به دست می‌آورد و در نهایت رأی و نظری ویژه را برای خود انتخاب می‌نماید.

بنابراین بعد از پایان آماده سازی، طلبه در تحقیقات خارجی حضور به هم می‌رساند؛ لازم به یادآوری است که تحقیقات خارجی، حلقه‌هایی تحصیلی است که بزرگان علمای حوزه آن را اداره می‌کنند. و برخی اوقات در یک زمان بیش از یک حلقه ارائه داده می‌شود، از این رو که استاد مبحثی فقهی یا اصولی و یا اینکه یکی دیگر از رشته‌های علمی را انتخاب می‌کند و آن را به عنوان محاضره‌ای ارائه می‌دهد، و برخی اوقات استاد مجتهد در یک روز دو محاضره را ارائه می‌دهد، یعنی ایشان مبحث فقه را در محاضره‌ی قبل از ظهر ارائه می‌دهد و رشته‌ی اصول فقه را برای محاضره‌ی شامگاه به تأخیر می‌اندازد و یا اینکه بر عکس این رشته‌ها را ارائه می‌دهد، و برخی از استادها مجتهد تنها یک رشته را به عهده می‌گیرد و تنها آن را ارائه می‌دهد.

چهارم: مرحله‌ی اجتهاد

وقتی که طلبه به مرحله‌ی اجتهاد می‌رسد و استاد به تحقیقات، استنباطات، آماده‌سازی دلایل، جمع میان احادیث و آرای گوناگون و بررسی اقوال او اطمینان حاصل نمود، مدرک اجتهاد را برای او صادر می‌نماید، بنابر این طلبه بعد از پیمایش آن مراحل طولانی که یک ربع قرن از عمرش را دربر گرفته بود، به درجه‌ی اجتهاد دست می‌یابد و خود به طور مستقل اجتهاد می‌نماید و آرائ و نظریات شخصی خود را ابراز می‌دارد.

پایه‌های مراحل

مرحله‌ی تحصیلی به مراحل جزئی تقسیم می‌شود که هر مرحله را سطح (پایه) می‌نامند، طلبه در آن پایه کتابهایی مشخص را تحصیل می‌کند و هرگاه آن را به پایان رساند به پایه‌ی بعد منتقل می‌شود.

۱- پایه‌های مرحله‌ی مقدماتی

مرحله‌ی نخست (مقدماتی) چهار پایه تحصیلی را در ضمن خود قرار داده که عبارتند از:

پایه‌ی نخست

از جمله کتاب‌هایی که در این پایه تدریس میشوند عبارتند از:

- أ- در رشته‌ی نحو: «الاجرومية»، نوشته‌ی ابن آجروم صنهاجی.
- ب- در رشته‌ی فقه: «تبصرة المتعلمين في أحكام الدين» نوشته‌ی: جمال الدین حسن بن یوسف المطهر معروف به علامة حلی.
- ت- «عقائد الامامية» نوشته‌ی: رضا مظفر.

پایه‌ی دوم

و از جمله کتاب‌هایی که در این رشته تدریس می‌شود عبارتند از:

- أ- در رشته‌ی نحو: «قطر الندی» نوشته‌ی: ابن هشام.
- ب- در رشته‌ی فقه: «شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام/ ج ۱»، نوشته‌ی محقق الحلی.
- ت- در رشته‌ی صرف: «مراح الأرواح أو شرح النظام» نوشته‌ی: الشيخ جاسم البصير.

ث- در رشته‌ی منطق: «شرح میزان المنطق» نوشته‌ی: عبد الله بن إله داد عثمانی، التَّنْبِی.

پایه‌ی سوم

و از جمله کتاب‌هایی که در این پایه تدریس می‌شوند عبارتند از:

- أ- در رشته‌ی نحو: «شرح الألفية» نوشته‌ی ابن ناظم.
- ب- در رشته‌ی منطق: «حاشیة ملا عبد الله» نوشته‌ی: الملا عبد الله.
- ت- در رشته‌ی منطق: «شرح الشمسية» نوشته‌ی: نجم الدین عمر بن علی قزوینی کاتبی.
- ث- در رشته‌ی فقه: «شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام ج/۲» پ. نوشته‌ی: محقق حلّی.
- ج- در رشته‌ی منطق: قسم سوم از کتاب «المنطق» نوشته‌ی: محمد رضا مظفر.

پایه‌ی چهارم

- و از جمله کتاب‌هایی که در این پایه تدریس می‌شوند عبارتند از:
- أ- در رشته‌ی بلاغه: «مختصر المعاني»، نوشته‌ی: أسعد تفتازانی (ت: ۷۹۲هـ).
- ب- در رشته‌ی فقه: شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام/ ج ۳، ۴. نوشته‌ی: محقق حلّی.

پایه‌های مرحله‌ی متوسطه

پایه‌ی نخست

- از جمله کتاب‌هایی که در این پایه تدریس می‌شوند عبارتند از:
- أ- در رشته‌ی اصول فقه: «معالم الدین وملاذ المجتهدین المقدمة في أصول الفقه».

- نوشته‌ی: جمال الدین حسن نجل شهید الثانی زین الدین عاملی. (ت: ۱۰۱۱ هـ).
- ب- در رشته‌ی اصول فقه: «أصول الفقه». نوشته‌ی: محمد رضا مظفر، و یا اینکه: «القوانین». نوشته‌ی: اصفهانی.
- ت- در رشته‌ی فلسفه: «تجريد الاعتقاد». نوشته‌ی: خواجه نصیر الدین محمد بن محمد بن الحسن طوسی (ت: ۶۷۲ هـ).
- ث- در رشته‌ی منطق: «سلم العلوم». نوشته‌ی: محبّ الله بن عبد الشکور بهاری (ت: ۱۱۱۹ هـ).

پایه‌ی دوم

- از جمله کتابهایی که در این پایه تدریس می‌شوند عبارتند از:
- أ- در رشته‌ی فقه: «اللمعة الدمشقية». نوشته‌ی: محمد بن جمال الدین مکی عاملی.
- ب- در رشته‌ی اصول فقه: «کفاية الأصول/ج ۱». نوشته‌ی: آخوند شیخ محمد کاظم خراسانی (ت: ۱۲۷۷ هـ).
- ت- در رشته‌ی فقه: «رسائل الشيخ الأنصاري». نوشته‌ی: مرتضی أنصاری.
- ث- در رشته‌ی فلسفه: «منظومة في المعقول». نوشته‌ی: ملا هادی سبزواری.
- ج- در رشته‌ی اصول فقه: «کفاية الأصول/ج ۲». نوشته‌ی: آخوند شیخ محمد کاظم خراسانی (ت: ۱۲۷۷ هـ).
- در رشته‌ی فقه: مکاسب الشیخ الأنصاری. نوشته‌ی: مرتضی أنصاری.